

ششمین همایش جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان

نهاد برگزار کننده همایش: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار

(با همکاری و حمایت معنوی دادگستری بروجرد، دانشگاه امام صادق، انجمن علمی معارف دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه لرستان، آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد رفسنجان، سازمان ارشاد اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه و....)

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۹ آذرماه ۱۴۰۲ شماره مقاله: ۲۸/۹۷۸۲ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۷۹۰

تأثیر وراثت بر بزهکاری و چگونگی آن از منظر جرم‌شناسی و آموزه های اسلامی

علی کریمی

دانشجو دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مفید قم؛ دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم

چکیده

امروزه بزهکاری به یکی از اساسی ترین معضلات جوامع بشری تبدیل شده است، براساس آموزه های اسلامی و تحقیقات انجام شده توسط جرم شناسان، یکی از مهمترین عوامل بزهکاری در افراد، عامل «وراثت» است. پاره‌ایی از خصوصیات اخلاقی همانند اوصاف جسمانی از طریق وراثت از والدین به فرزندان، منتقل می شود. این تحقیق درصدد بررسی دیدگاه‌ها درباره تأثیر وراثت بر بزهکاری و چگونگی آن از منظر جرم‌شناسی و آموزه های اسلامی به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد.

برخی از جرم شناسان چون «سزارلمبروزو» قائل به نقش انحصاری وراثت در بزهکاری می باشد و برای اثبات مدعای خود، به پنج دلیل استناد می کند؛ اما آموزه های اسلامی اگرچه عوامل زیستی مانند «وراثت» را دخیل بر سرنوشت، عملکرد، بزهکارشدن یا نشدن انسان می‌داند، لیکن این عامل را تنها در حد یک بستر و زمینه‌ای برای وقوع جرم می داند و معتقد است که وراثت به نحو «اقتضاء و علت ناقصه» در اعمال و رفتارهای انسان تأثیر و دخالت دارد، نه به نحو علت تامه، از همین رو، عوامل دیگری چون محیط، جامعه، شیوه های تربیتی و مهم‌تر از همه این‌ها اراده بر بزهکاری افراد تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: وراثت، ژنتیک، بزهکاری، جرم‌شناسی، آموزه‌های اسلامی



مقدمه

بزهکاری، علل و انگیزه‌های آن، از جمله مسائل مهم اجتماعی است که از گذشته مورد توجه دانشمندان بوده. پیشتر برای خطا یا گناه انجام شده توسط افراد، فقط جرم و مجازات مورد مطالعه قرار می‌گرفت و از توجه به مجرم غفلت می‌شد، درحالی که در حقوق جزای جدید توانایی و خصوصیات عامل وقوع جرم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و حتی در قوانین موضوعه برخی از کشورها، تدابیری برای شناخت خصوصیات مجرم اندیشیده شده تا با توجه به آن، به مجازات مجرم پرداخته شود (ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۹). در منابع اسلامی و تحقیقات علمی به عوامل مختلفی در ارتکاب جرم اشاره شده است از جمله: سن، محیط، جامعه، خانواده، مدرسه، دوستان، تربیت و بویژه «وراثت» که ضروری به نظر می‌رسد از منظر جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی واکاوی شود.

تأثیر وراثت در وقوع بزهکاری، همواره یکی از موضوعات چالشی بوده است و موافقان و مخالفانی داشته است؛ همین‌طور، بین موافقان تأثیر وراثت بر بزهکاری، چگونگی تأثیر از مسائل مورد اختلاف است. از این‌رو، این پژوهش در صدد تبیین تأثیر وراثت بر بزهکاری و چگونگی و میزان آن از منظر جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی می‌باشد. نظریات و دیدگاه‌ها، اعم از آیات و روایات را واکاوی کرده و طبق جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی، اصل و چگونگی تأثیر وراثت بر بزهکاری را بررسی و تبیین می‌نماید.

جرم‌شناسان بر این باورند که «وراثت» از عوامل دخیل و موثر در شکل‌گیری شخصیت فرد از منظر بزهکاری و یا سلامت می‌باشد. از دیرباز تا به کنون عنوان مذکور مورد بحث و بررسی بوده و غالب اندیشمندان و جرم‌شناسان بر این باورند اگرچه اصل وراثت در ارتکاب به جرم دخالت دارد ولیکن «وراثت» به تنهایی عنصر اتم و کامل در بزهکاری نمی‌باشد؛ هریک از عوامل چون وراثت، جسم، سن و...، فقط می‌تواند نشانه و زمینه‌ای برای وقوع جرم احتمالی در انسان باشد نه



علت تامه جرم. و این نظریه و میزان تاثیر آن، مورد تأیید اسلام و پاره‌ای از دانشمندان معاصر می‌باشد. نظریه «مجرم بالفطره» برگرفته از تأثیر مستقیم سن، جنس، رابطه قیافه و جسم با بزهکاری مورد تأیید اسلام نیست (موسوی فرد، ۱۳۹۷، ص ۷۳).

ساماندهی پژوهش بدین شکل است که نخست به تبیین مفاهیم ضروری و بنیادینی چون وراثت، آتوایسم، بزهکاری می‌پردازیم، سپس به بررسی نقش و تاثیر وراثت بر بزهکاری از دیدگاه جرم‌شناسان و آموزه‌های اسلامی پرداخته می‌شود. از جمله مواردی که در این موضوع مورد کاوش فنی قرار می‌گیرد، نظریه انحصاری بودن نقش و تاثیر وراثت بر بزهکاری است و سپس با طرح دیدگاه اسلامی در جستاره نقد این نظریه برمی‌آییم.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱. وراثت

واژه «وراثت» مصدر است و در لغت به معنای «ارث بردن، انتقال حقوق مکتسبه و صفات مشخص شده در خون یک فرد به اعقاب می‌باشد» (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۹۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۹۹). این واژه معادل کلمه «inheritance» می‌باشد و در فرهنگ لغت آکسفورد آمده است که وراثت عبارت است از: «فرایندی که طی آن خصوصیات ذهنی و جسمی از طریق ژن‌ها از والدین به فرزندان منتقل می‌شود» (H. W. Fowler, F. G. Fowler, Della Thompson, ۱۹۹۵, p. ۲۶۹۸).

در اصطلاح زیست‌شناسی علم وراثت از جمله دانش‌های بصری است که از انتقال ویژگی‌های نوعی و فردی انسان از طریق تولید مثل بحث می‌کند، به بیان دیگر موضوع علم وراثت چگونگی انتقال صفات از والدین به فرزندان از طریق ژن‌ها می‌باشد (مجله اینترنتی رایامگ به آدرس ذیل: <https://rayamag.com/blog>).



۲-۱. آتاویسم

واژه آتاویسم^۱ در اصطلاح عبارت است از: «بازگشت عادت نهفته در نسل های پیشین» (والک لیت، ۱۳۸۶، ص ۳۹)، این مفهوم توسط سزار لمبروزو^۲ وارد دانش جرم‌شناسی شد. به عقیده ایشان بزهکاران شبیه به نیاکان خود می باشند - نوعی بازگشت به اشکال نخستین تکامل (Burke.Roger Hopkins.۲۰۰۹.p۶۵) - لذا شخصی که تبدیل به یک مجرم و بزهکار می شود (والک لیت، ۱۳۸۶، ص ۳۹)، به نوعی به یک مرحله قبل از توسعه زیستی خود بازگشته است که اصطلاحاً از آن با عنوان «زوال برگشتی» تعبیر می شود (محمدی جورکویه و مصطفی پور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۹).

شایان ذکر است که آتاویسم مفهوم دیگری هم دارد که عبارت است از: «بازگشت یا رجوع به مخلوقات قبل از انسان که دارای بعضی از خصوصیات وحشی ها (بربرها) می باشند» (Reid, Sue Titus. ۲۰۰۳.p۸۸-۸۹)

۳-۱. بزهکاری

بزهکاری در لغت به معنای «گناهکاری، هنجارشکنی، کج رفتاری» می باشد (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۰۹۴).

برای بزهکاری از منظر جرم‌شناسی می توان دو تعریف ارائه داد:

الف) تعریف عام: مجموع جرائم ارتكابی را بزهکاری می‌گویند.

^۱. Atavism

^۲. Cesare Lombroso



ب) تعریف خاص: بزهکاری به مجموع جرائمی که در زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد (پاکزاد، ۱۳۷۲، ص ۱۱۴).

از منظر دانش جرم‌شناسی بزهکاری مفهومی «نسبی» است؛ بدین بیان که پاره‌ای از اعمال در گذشته رفتاری عادی محسوب می‌شده است اما در گذر زمان، امروزه جرم تلقی می‌شود. یا می‌توان پاره‌ای از اعمال را تصور کرد که در کشوری عمل مجرمانه قلمداد می‌شود ولیکن همان عمل در کشور دیگری جرم انگاری نشده و بار جزایی نیز متوجه مرتکبین آن عمل نیست (نجفی توانا، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹).

برای نسبی بودن بزهکاری اساساً می‌توان مفهوم سومی را مطرح کرد، بدین بیان که برخی از اعمال به خاطر نوپدید بودن آنها شاید جرم تلقی شود، فرضاً بیت کوبین یا ارز دیجیتال ولی پس از مدتی و شناخت ماهیت آن نه تنها جرم نباشد که دولت‌ها برای رواج این نوع پول‌ها تلاش مضاعفی کنند.

۲- تاثیر وراثت بر بزهکاری از منظر جرم‌شناسی

شاید بتوان گفت تحول واقعی جرم‌شناسی علمی اولین بار در ایتالیا توسط سزار لمبروزو در زمینه انسان‌شناسی کیفری شروع و به وسیله دانشمندان بعدی تعقیب گردید، سزار لمبروزو که در سال ۱۸۷۶ میلادی کتاب «انسان جنایتکار»^۱ را به چاپ رسانید، صریحاً عوامل بزهکاری را ناشی از خصوصیات جسمی فرد دانسته و برای آنان ویژگی‌های خاص جسمی در نظر گرفته است. ایشان بعد از بررسی فراوان بر روی عوامل جسمی، روانی و اجتماعی بزهکاری به این نتیجه رسید که بزهکاری آن‌گونه که دکترین سنتی حقوق جزا معتقد بودند، محصول یک اراده آزاد نیست بلکه یک عمل جبری و حیوانی است (Merl (R), Vitu (N); ۱۹۷۸. P-۵۵).

لمبروزو سعی داشت گروه‌های انسانی را بر مبنای تفاوت‌های نژادی و بیولوژیکی طبقه‌بندی کند

^۱ . L'Homme Criminel.



(وایت و هینس، ۱۳۸۷، ص ۷۷)، او برای نشان دادن وضعیت غیرعادی بزهکاران بعد از بررسی فراوان اجساد مردگان، اعضا و مجسمه های آنان به صورت مقایسه ای و تطبیقی با خصوصیات بزهکاران زنده نتیجه می گیرد که مغز افراد بزهکار وزنی بیشتر از مغز افراد عادی دارد، قد آنان بسیار بلند و پای چپ جنایتکار از پای راست او بلندتر است، وضع ظاهری گوش او با دیگران فرق دارد، در ضمن خالکوبی، ابروان پرپشت، رشد غیر عادی و غیر طبیعی نیز از ویژگی های بزهکاران است. از نظر روانی به گمان وی، بزهکاران افرادی خشن، بی عاطفه، غیرمسئول و شهوت پرست می باشند (نجفی توانا، ۱۳۹۰، صص ۸۴-۸۳).

او معتقد است که وراثت اثر مستقیم و سهمی قاطع در تبهکاری افراد داشته و سرنوشت بعضی از آدمیان این است که در تمام دوران زندگی دستخوش جنایت باشند (همان، ص ۱۷۴).

لمبروزو در یک تحقیق به صورت مقایسه ای میان تعدادی از اطفال بزهکار و تعدادی از اطفال غیر بزهکار دانش آموز پرداخته و بعضی از آن ها را تا سن رشد نیز تعقیب نموده و به این نتیجه رسید که بزهکاران را می توان به چند دسته تقسیم نمود: بزهکاران اتفاقی، بزهکاران عاطفی و بزهکاران بالفطره (حمید، ۱۳۹۹، ص ۲۹۲). به عقیده لمبروزو «جانی بالفطره» فردی خطرناک و غیر قابل اصلاح است و اجراء اقدامات تربیتی هیچ گونه اثری بر بزهکار نداشته و تنها راه علاج، در تبعید و دور نمودن او از محیط اجتماعی است (نجفی توانا، ۱۳۹۰، ص ۸۴).

فری از شاگرد لمبروزو با پیروی از استاد خود می نویسد که: «تبهکار مادرزادی اصولاً نابهنجار و بدکار به دنیا آمده است و همانطوری که سگ شناگر به دنیا آمده بزهکار مادرزاد نیز برای ارتکاب جرم متولد شده است». فری این نوع بزهکاری را نتیجه اجتناب ناپذیر یک رشته اثرات وراثتی دانسته (Ferri, ۱۹۰۵, P-۵۹۵).

لمبروزو و پیروانش برای اثبات رابطه مستقیم بزهکاری با توارث به پنج دلیل تمسک می کنند: مقایسه انسان بزهکار با انسان وحشی، از طریق شجره نامه یا نسب نامه، نسبت های مندل



درنیاکان، بررسی های آماری، مقایسه دوقلو ها حقیقی و غیرحقیقی (نجفی توانا، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵).

۳- نقد نقش تام وراثت در بزهکاری

رفته رفته با پیشرفت دانش بشری و توسعه علم ژنتیک نظریات مربوط به بزهکار مادرزاد مردود و موجب شد که مکتب تحقیقی و شخصی لمبروزو هدف نقد جدی قرار گیرد، امروزه دیگر تیپ جانی مادرزادی مورد قبول اکثریت دانشمندان نمی باشد و جبر توارث مردود تلقی و مسئله رجوع به اصل حیوانی یا سیر قهقرایی به توحش، دیگر یک بحث علمی قلمداد نمی گردد. هیچ انسانی ذاتا جنایتکار به دنیا نمی آید و جانی بالفطره موجودی خیالی است، انسان با فطرت پاک به دنیا آمده و سپس تحت تاثیر شرایط نامناسب خانواده و محیط به سوی ارتکاب اعمال ناصواب و نادرست هدایت می شود.

بهترین راه مبارزه با بزهکاری از بین بردن عوامل جرم زا و درست ترین روش برخورد با بزهکار، معالجه بیماری وی و بازگرداندن او به آغوش جامعه است، همانطوری که حدیث نبوی در این رابطه می گوید: «کل مولد یولد علی الفطرته حتی ان ابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه؛ هر انسانی بر فطرت پاک سرشته می شود، تا اینکه پدر و مادر، او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می کنند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۸۱)، البته عناوینی چون یهودی گری تمثیلی است و انسان ذاتا بر فطرت پاک است و پدر و مادر به عنوان نمونه از عوامل اجتماعی هستند که سیر انسان سالم را به سوی فساد و انحراف می کشانند. و به عبارت دیگر جامعه انسان را فاسد می نماید.

اکنون یک جرم شناس یا یک حقوقدان به آسانی می پذیرد که بزهکاری معلول علل فردی و اجتماعی است و نه انحصار وراثت؛ بدین بیان که هیچ انسانی از بدو تولد منحرف و بزهکار نبوده



و جامعه با عوارض منفی و جرم زای خود او را به سوی انحراف و کجروی کشانیده است. البته این به معنای نفی اختیار و اراده انسان نیست که او را از تمام مسئولیت ها مبرا بدانیم.

اما پس از بررسی های دیگر فری از نظریات گذشته خود عدول نموده و تصریح می کند که بزهکاری معلول تجمع و ترکیب عوامل فردی و اجتماعی است، و از همین روی لمبروزو نیز تحت تاثیر انتقادات انجام شده و مطالعات شخصی و تا حدی نیز عقائد شاگردش فری، در نظریات خود تجدید نظر نموده و به نقش عوامل اجتماعی در کشاندن افراد به سوی بزهکاری اعتراف نمود (نجفی توانا، ۱۳۹۰، صص ۸۳-۸۶؛ ۱۷۵ - ۱۷۳).

این تصوّر که سرنوشت هر فرد در گرو وراثت او می باشد، با عقل که حجّت در دین اسلام بوده است و نیز با اصل اختیار منافات دارد. ادله سه گانه کتاب^۱، سنت^۲ و عقل بر تأثیر تعلیم و تربیت بر سرنوشت افراد تأکید و اتفاق نظر دارد و تصریح دارند که انسان با بهره گیری از نعمت عقل، خیر و شر را تشخیص می دهد و با اختیار اعمال خود را انجام می دهد.

شهید مطهری رابطه اختیار، وراثت و تربیت را اینگونه بیان نموده است: «بشر مختار و آزاد آفریده شده، یعنی به او عقل و فکر و اراده داده شده است، بشر در کارهای ارادی خود مانند یک سنگ نیست که او را از بالا به پایین رها کرده باشند و تحت تأثیر عامل جاذبه زمین خواه ناخواه به طرف زمین سقوط کند، و مانند گیاه نیست که تنها یک راه محدود در جلوی او هست و همچنین مانند حیوان نیست که به حکم غریزه کارهایی انجام دهد. بشر همیشه خود را در سر چهارراه هایی می بیند و هیچ گونه اجباری ندارد که فقط یکی از آنها را انتخاب کند، انتخاب یکی از آنها به نظر، فکر، اراده و مشیّت شخصی او مربوط است. اینجاست که پای شخصیّت و صفات اخلاقی

۱. سوره تحریم، آیه ۶: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ».
 ۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۹: «وَقَالَ الصَّادِقُ (ع) كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ إِنَّمَا أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يَنْصَرَانِهِ وَ يَمَجَّسَانِهِ».



و روحی و سوابق تربیتی و موروثی و میزان عقل و دوراندیشی بشر به میان می‌آید و معلوم می‌شود که آیندهٔ سعادت بخش یا شقاوت‌بار هر کسی تا چه اندازه مربوط است به شخصیت و صفات روحی و ملکات اخلاقی و قدرت عقلی و علمی او، و بالأخره به راهی که برای خود انتخاب می‌کند» (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۴۰).

برخی از مفسران با استناد به آیه «...تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ...» (آل عمران: ۲، آیه ۲۷) عدم انحصار تأثیر وراثت در سرنوشت انسان را نتیجه می‌گیرند. از نظر وی، مراد از بیرون آمدن زنده از مرده همان پدیدآمدن حیات از موجودات بی‌جان است. به وجودآمدن مرده از زنده غیرقابل انکار و مسلم است. و در واقع، آیه اشاره به قانون تبادل دائمی مرگ و حیات است، ولی تفسیر دیگری نیز مطرح است که با تفسیر قبلی منافاتی ندارد و آن مسألهٔ زندگی و مرگ معنوی است. می‌بینیم گاهی افراد با ایمان از افراد بی‌ایمان به وجود می‌آیند مانند مسلمانان صدر اسلام که جملگی از والدین و نیاکانی مشرک و بت پرست به وجود آمدند و همانان بودند که پیامبر(ص) را یاری نمودند و برخی شهید شدند و سرنوشت رستگاری تاکنون برای امت اسلام رقم زدند. و گاهی به عکس افراد بی‌ایمان از افرادی صالح و با ایمان به وجود می‌آیند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۴۹۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۴۳)، مانند فرزند حضرت نوح^۱، فرزندان حضرت یعقوب، جعفر کذاب فرزند حضرت هادی (ع) (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ص ۴۷۵)، عبدالله افطح فرزند امام صادق(ع) (قمی، ۱۴۳۲، ج ۲، ص ۲۹۷)، نوه امام صادق(ع) علی بن اسماعیل بن جعفر که در شهادت امام کاظم(ع) سعایت کرد (همان، ج ۲، ص ۳۸۷)، بنابراین اگر در میان انبیاء و ائمه اطهار(ع) فرزندان ناصالحی وجود دارد این اشکالی متوجه والدین آنها نیست بلکه اشکال در قابلیت فرزندان و محیط جامعه در پرورش آن‌ها است، ازاین روی درمی‌یابیم که وراثت علت تامه در سرنوشت انسان نمی‌باشد و گرنه باید آن فرزندان مانند پدران صالح می‌بودند، حال که چنین نیست، بنابراین دخالت وراثت بنحو علت ناقصه و نقش اقتضائی دارد.

^۱. سوره هود، آیه ۴۶: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ».



قرآن زندگی و مرگ معنوی را در آیات متعددی به کفر و ایمان تعبیر کرده است و مطابق این تفسیر، مسأله به هم ریختن قانون توارث را بیان می‌دارد؛ چراکه انسان با داشتن آزادی اراده مانند موجودات بی‌جان طبیعت نیست و خود می‌تواند راه سعادت و یا شقاوت را انتخاب کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۴۹۶).

سلمان فارسی در تفسیر آیه فوق از پیامبر (ص) نقل می‌کند: «**الْمُؤْمِنَ مِنَ الْكَافِرِ وَ الْكَافِرَ مِنَ الْمُؤْمِنِ**» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵).

امام هادی (ع) نیز می‌فرماید: «**إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا مَاتَ لَمْ يَكُنْ مَيِّتًا فَإِنَّ الْمَيِّتَ هُوَ الْكَافِرُ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ يَعْنِي الْمُؤْمِنَ مِنَ الْكَافِرِ وَ الْكَافِرَ مِنَ الْمُؤْمِنِ؛** مؤمن به مرگ نمی‌میرد و مرده کافر است. خداوند می‌فرماید: زنده را از مرده خارج می‌کند و مرده را از زنده یعنی مؤمن را از کافر و کافر را از مومن بیرون می‌آورد» (ابن بابویه، ۱۳۹۹، ص ۲۹۰).

صاحب مجمع‌البیان ذیل آیه مذکور ضمن نقل و بررسی برخی اقوال و بیان برخی از روایات، مفاد دو روایت فوق را تبیین و تایید می‌کند (طبرسی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۷۲۸).

بنابراین از یک مؤمن نوزادی با خصوصیات ایمان متولد شده، ولی اثر وراثت تحت تأثیر عواملی همچون تربیت و اراده خود فرد خنثی می‌شود و در نهایت از مؤمنی، کافر یا فاسقی تحویل جامعه داده می‌شود و برعکس؛ از همین روی با قاطعیت می‌توان گفت که عامل وراثت عنصر زمینه‌ساز است نه علت تامه.

پذیرش انتقال اوصاف جسمی و روحی از والدین به فرزندان اصولاً قابل انکار نیست، ولی اصل وراثت به تنهایی نمی‌تواند سرنوشت افعال انسان را تعیین کند. اگر موضوع وراثت قادر به اجبار انسان را در افعال خود بود، لازم می‌آمد که پرداختن به موضوع تربیت انسان به کلی لغو باشد.



آیا سزاوار است که انسان عاقل فرزندان خود را تربیت نکند و باور داشته باشد که فرزندانم به جهت وراثت نیکو چون نیاکان خود صالح می‌باشند و من در مقابل این سنت طبیعی قادر به انجام کاری نیستم؟ از سوی دیگر، شکی نیست که فرزندان یک خانواده با وجود یکی بودن والدین یا حتی محیط زندگیشان، دارای اوصاف مختلف و در مواردی متضاد می‌باشند.^۱ در پاره‌ایی از موارد، بچه‌های دوقلوئی که از یک نطفه و در یک رحم پرورش می‌یابند با یکدیگر تفاوت دارند (جعفری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷).

هیچ یک از وراثت و محیط نه به تنهایی و یا باهم نمی‌توانند تعیین‌کننده اراده آدمی باشند. این عوامل فقط بستر ساز برای اعمال اراده و اختیار انسان می‌باشند که فرد با توجه به گرایش‌ها، ادراک‌ها و شناخت‌های فطری و روحی خود، بتواند رفتاری خودخواسته بروز دهد. پس فرد در برابر وراثت و نیز در برابر محیط حالت انفعالی نداشته و این اراده است که رفتار و شخصیت او را قاطعانه تعیین می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۹).

وراثت، فرد را با استعداد و تمایلات خاصی مجهز می‌سازد و محیط به این استعدادها مجال رشد داده و یا آن را متوقف می‌سازد. ما نمی‌توانیم عامل وراثت یا محیط را بر دیگری غالب بدانیم؛ زیرا هر یک از آن دو در تشکیل فرد و سازمان دادن به رفتار او مؤثرند. ما فقط می‌توانیم به اهمیت هر یک از آن دو اعتراف نماییم و هر دو را مسئول شخصیت فرد و ساختمان جسمانی و عقلانی و روانی و اخلاقی او بدانیم. اگرچه تأثیر وراثت در دوران اولیه زندگی کودک بیشتر می‌باشد، ولی پس از رشد، بلوغ و آگاهی کودک، از شدت آن تأثیرات موروثی کاسته می‌شود (حجتی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۵).

^۱ . لهوف، صص ۱۸۰-۱۰۷؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۱۳ و ۴۳۵: «در روز عاشورا دو برادر در دو جبهه مخالف قرار گرفتند؛ عمرو بن قرظه بن کعب و علی بن قرظه بن کعب هر دو پسر قرظه بن کعب بودند؛ عمرو بن قرظه بن کعب در سپاه امام حسین (ع) و علی بن قرظه بن کعب در سپاه عمر بن سعد حضور داشتند».



اثر وراثت در مسایل مربوط به جسم و تن گاهی به صورت عامل سرنوشت‌ساز درمی‌آید و کودک نمی‌تواند ضعف و بیماری موروثی را از خود دور کند، اما در مسایل اخلاقی و اجتماعی فقط بستری برای پذیرش آن صفات در کودک فراهم می‌کند و هرگز نافی اصل آزادی و اختیار نمی‌باشد و هر فردی می‌تواند خلاف ویژگی‌ها و روحیات موروثی خود اقدام کند (سبحانی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۵۶).

با توجه به تحلیل و بررسی انجام گرفته، درمی‌یابیم که وراثت نمی‌تواند به تنهایی عامل تعیین کننده سرنوشت آدمی باشد؛ بلکه فقط یک بستر برای سعادت یا شقاوت انسان مهیا می‌کند و به دست آمده است عوامل مؤثر دیگری چون محیط، تربیت در سرنوشت انسان دخالت دارند. در نتیجه نمی‌توان جبر توارث را کاملاً پذیرفت؛ چرا که در صورت ایجاد شرایط مثبت، بدترین بیماری‌ها و اثرات منفی توارث را می‌توان معالجه نمود و فرد را به سوی تعادل رفتاری رهنمون گردید.

به نظر می‌رسد که مطالعات انجام شده توسط لمبروزو و پیروانش در ابتداء با نگاهی تک بعدی و جهت دار صورت گرفته، زیرا اگر حقیقت مسائل و عینیت پدیده در نظر گرفته شود، روشن می‌شود که تنها بزهکاری والدین یا بیماری آنان فرزندان را، به انحراف و ناسازگاری نمی‌کشاند، چرا که انسان موجودی مختار و آزاد است که بر همین اساس مسیر سعادت یا شقاوت را انتخاب می‌کند و در این مسیر از عواملی مانند خانواده، تربیت، آموزش، جامعه متأثر می‌گردد، ازاین روی، نمی‌توان بطور مطلق جبر زیستی را پذیرفت (کی‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۳).

۴- تاثیر وراثت بر بزهکاری از منظر آموزه‌های اسلامی

با بررسی در آیات و روایات به دست می‌آوریم که اصل وراثت بر رفتارهای انسانی همچون بزهکاری تاثیرگذار است. کتاب و سنت از ۱۴ قرن پیش به اصل مساله تاثیر «وراثت صفات» پرداخته اند، درحالیکه دانش ژنتیک عمری کمتر از دو قرن را می‌گذراند. در این قسمت از



پژوهش برخی از مستندات اسلامی تاثیر وراثت در شکل گیری شخصیت و خصوصیات رفتاری افراد را تبیین می کنیم:

۱-۴. وراثت در آیات

الف) «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ همانا خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر عالمیان برتری داد» (آل عمران: ۲، آیه ۳۳). و سپس در ادامه می فرماید: «ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ آن ها فرزندانی بودند که (از نظر پاکی و تقوا) بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند» (آل عمران: ۲، آیه ۳۴).

برای روشن شدن این آیه بر تاثیر وراثت در شکل گیری شخصیت افراد، لازم است که برخی از واژگان مبنایی در آیه شریفه را توضیح دهیم.

«ذریه» به معنای نسل و اولاد است. «بعضها من بعض» به تقدیر (نشأ، ظهر، بدأ) راجع به ذریه است. خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را برگزید و بر جهانیان برتری داد در حالی که آن ها از ذریه‌ای واحد آفریده شدند که به تصریح قرآن، برخی از آنان از بعضی دیگر پدید آمدند (طالقانی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۹۷).

«ذریه بعضها من بعض» بیان سنت طبیعی و جریان توارث و تسلسل حیات آدمی است. از این روی، با سیاق آیات بعد فهمیده می شود که جمله «ذریه بعضها من بعض» در حقیقت بیانگر دخالت توارث در اوصاف اخلاقی نسل بعدی می باشد که افراد را برای برگزیدگی آماده می کند (همان، ج ۵، ص ۹۸).

در مورد وراثت دو نکته می توان از آیه برداشت کرد:

۱- بعضی از ویژگی ها و ارزش ها از طریق وراثت منتقل می شود.



۲- در طول تاریخ، دودمان نبوت از نسل پاکان بوده است (قرائتی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۵۲).

ب) از محکّمات آیات قرآن کریم دربارهٔ نقش و تاثیر اصل وراثت، آیات ۲۶ و ۲۷ سورهٔ مبارکهٔ نوح است. این آیات شریفه مسئلهٔ وراثت اوصاف را از احتمال و شک به یقین میرساند. حضرت نوح در این گفت و گوی، سختی ها و رنج های انجام رسالت الهی و کفران و ناسپاسی و سرپیچی قومش و انحطاط محیطی را بیان می کند: **وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ تَذَرُهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا**؛ نوح گفت: پروردگارا هیچ یک از کافران را زنده نگذار چرا که اگر آنها را باقی بگذاری بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند، این آیه هم بیانگر تاثیر محیط می تواند باشد و هم تاثیر وراثت.

نوح (ع) این سخن را به عنوان علت برای درخواستش بیان می کند: اگر درخواست کردم که همه آنان را هلاک کنی، برای این بود که هیچ سود و فایده ای در بقای آنان نیست نه برای مؤمنین و نه برای فرزندان خودشان. اما برای مؤمنین فایده ندارد زیرا که این ها فرزند صالح نمی آورند. نوح (ع) این معنا را که کفار فاسق در آینده جز فاجر و کفار نمی زاینند را از مسیر وحی فهمیده بود (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۵۶).

حضرت نوح (ع) به دو تعلیل از خداوند هلاکت قوم خود را طلب می کند: اولین آن، به استناد آیه ۲۶ سرپیچی و نافرمانی آنها از اوامر الهی است و در تعلیل دوم مطابق آیه ۲۷ می فرماید: ماندن این قوم گمراه و هلاک نشدن آنها دو اثر تباه کننده و فساد گستر را در پی دارد، یکی موجب گمراهی آیندگان به سبب تربیت ناشایست آنها می باشد و دیگری نسلی که از این قوم نافرمان پدید می آید بخاطر تاثیر اصل وراثت و ژنتیک عصیانگر و نافرمان خواهند بود. بنابراین ماندن این قوم تبهکار نه تنها سودی ندارد بلکه فساد و تباهی نسل بعدی را در پی خواهد داشت.



در نتیجه دو آیه مذکور دو اصل را تبیین می‌کند: یکی پذیرش اصل تاثیر وراثت در خصوصیات رفتاری افراد، و دیگری میزان و چگونگی این تاثیر که به نحو علت ناقصه می‌باشد چراکه عوامل دیگری چون اصل تربیت نیز در شکل‌گیری شخصیت افراد موثر است.

ج) «قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ: ... (برادران) گفتند: اگر او [بنیامین] دزدی کند، (جای تعجب نیست، چون) برادرش (یوسف) نیز قبل از وی دزدی کرد ...» (یوسف: ۱۲، آیه ۷۷).

«گویندگان این سخن که همان برادران پدری یوسف هستند برای اعلان پاکدستی خود در برابر کارگزار حکومت مصر به اصل موضوع وراثت تمسک نموده بدین بیان که بنیامین را به یوسف نسبت داده‌اند که هردو از نظر وراثت از ناحیه مادری با ما یکی نیستند و اگر امروز بنیامین پیمانۀ پادشاه را دزدید، تعجب نکنید زیرا پیشتر وی برادری داشت که مرتکب دزدی شد و چنین عملی نیز از او سرزد. پس این دو برادر دزدی را از ناحیۀ مادر خود به ارث برده‌اند و ما از ناحیۀ مادر از ایشان جدا هستیم» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۲۳۶). و برخی از مفسرین مفهوم کلام علامه را تایید کرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۱۶۱).

آیه مذکور حاکی از اندیشه تاریخی دخالت و تاثیر اصل وراثت در شکل‌گیری شخصیت و خصوصیات رفتاری افراد می‌باشد، و این اندیشه تاثیر اصل وراثت در افراد میان تمدن‌های کهن همانند مصر پذیرفته و مسلّم بوده است چراکه خاندان حضرت یعقوب (ع) از کنعان در استناد به این اصل و کارگزاران حکومتی مصر با پذیرفتن استناد آن‌ها، اصل تاثیر وراثت بر خصوصیات رفتاری افراد ثابت می‌شود. و قرآن با نقل این حکایت، بر مقتضای اصل تاثیر وراثت در شکل‌گیری شخصیت افراد صحّه می‌گذارد، اگرچه استنادات برادران کنعانی یوسف بهتان عظیم بوده است.



۲-۴. وراثت در روایات

در میان منابع اسلامی روایاتی وجود دارد که دلالت می‌کند وراثت و یا ژن سهم وافر در تشکیل شخصیت افراد دارد تا آنجایی که امام علی(ع) می‌فرماید: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ؛ نیکویی اخلاق، دلیلی بر کرامت و نیکویی عرق‌های (ژن‌های) فرد است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۴). از این روی ضرورت دارد در این قسمت از پژوهش به تبیین برخی از این روایات در راستای اثبات مدعای خویش اشاره کنیم:

۱) حضرت علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر می‌فرماید: «... ثُمَّ الصَّقَ بِذَوَى الْأَحْسَابِ وَ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ السَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ، ثُمَّ أَهْلَ النَّجْدَةِ وَ الشُّجَاعَةِ وَ السَّخَاءِ وَ السَّمَاخَةِ. فَإِنَّهُمْ جَمَاعٌ مِنَ الْكَرَمِ وَ شَعْبٌ مِنَ الْعُرْفِ...»؛ برای اداره کشور افرادی را برگزین که گوهر نیک دارند و از خاندانی پارسایند و از سابقه‌ای نیکو برخوردارند. پس دلیران و رزم‌آوران و بخشنده‌گان و جوانمردان (را برگزین) که اینان بزرگواری را در خود فراهم کرده‌اند و نیکویی‌ها را گرد آورده‌اند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). توصیه حضرت امیر(ع) مبنی بر انتخاب افرادی از خانواده‌های شریف، اصیل و پارسا بیانگر تأثیر اصل وراثت است (سبحانی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۵۵).

در سیره حضرت علی(ع) می‌بینیم در میانه جنگ جمل و چکامه‌های شمشیر آنگاه که محمد حنفیه پرچمدار لشکر بود، و به پیش می‌تاخت تا آنجایی که لشکر دشمن یورش می‌آورد و گاهی از حمله دلیرانه بازمی‌ایستاد، در این میانه پدر بزرگوارش حضرت علی (ع) خود را به او رساند و فرمود: از ضربات دشمن مترس و حمله کن. وی قدری پیش روی کرد ولی باز متوقف شد. امام(ع) از این ضعف و ترس فرزند سخت آزرده شد، پیش آمد و با قبضه شمشیر به دوش وی کوبید و فرمود: این ترس را از مادرت به ارث برده ای (ابشیهی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۱۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۴۳).



بدین جهت بود که امام علی(ع) از برادرش عقیل که نسب شناس بود درخواست می‌کند، برایم همسری را خواستگاری کن که شجاع و نیرومند باشد، عقیل در پاسخ گفت: چنین اوصافی را که شما می‌فرمایید شایسته زنان نیست، حضرت فرمود: درست است اما اگر زنی بدین اوصاف باشد از او فرزندی شجاع و نیرومند به وجود می‌آید. از همین روی عقیل از طایفه بنی کلاب، ام البنین را برای امیرمومنان علی(ع) خواستگاری کردند و قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس سردار رشید کربلا از او متولد شد.

از کلام مولا امیرالمومنین(ع) در فرمان به مالک اشتر و نهیب زدن به فرزندش محمد حنفیه و درخواست وی از برادرش عقیل، جملگی نمایانگر تاثیر اصل وراثت در شکل‌گیری شخصیت افراد می‌باشد زیرا فرمانروایی و میدان جنگ نیازمند زبده‌ترین افراد است و این زبده‌گی و فرهیختگی زاینده و برآمده از عوامل مختلفی از جمله وراثت نیکو است.

۲) رسول‌الله(ص) در کلامی جامع، موضوع دخالت وراثت در نسل‌های بعدی را چنین بیان می‌کند و این روایت در منابع حدیثی با الفاظ مختلف آمده است: «**انْظُرْ فِي اَيِّ شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَاِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ**؛ بنگر که [نطفه] فرزندت را در چه جایی قرار می‌دهی، چرا که عرق(ژن) بسیار انتقال دهنده است» (ابشیهی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۴۵۷؛ پاینده، بی‌تا، ص ۲۶۶). «**تَخَيَّرُوا لِنُطْفَتِكُمْ فَاِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ**؛ برای نطفه‌های خود (همسر مناسب) انتخاب کنید که همانا (اثر) عرق (ژن) بسیار مخفی است» (ابن ادریس حلی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۹۳). مضمون همین روایت از امام صادق(ع) نیز نقل شده است: «**تَزَوَّجُوا فِي الْحِجْزِ الصَّالِحِ ، فَاِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ**؛ با خانواده‌های عقیف و پاکیزه وصلت کنید، زیرا عرق (ژن) دخالت‌کننده و تأثیرگذار و مخفی است» (طبرسی، ۱۴۲۰، ص ۳۰۷).



لازم به ذکر است که در این باره به مفهوم برخی از واژگان اساسی و مهم در استنباط اشاره کنیم:

«**دَسَّاس**» صیغه مبالغه است و در لغت به معنای پنهان کردن و مخفی نمودن آمده است (قرشی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۴۳؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۹۲۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۸۲)، و قرآن کریم نیز به همین اشاره می‌کند.^۱ و «عِرْق» به معنی ریشه و اساس یک پدیده است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۰۶).

توجه ویژه پیامبر(ص) و امام صادق(ع) به موضوع اصل تاثیر وراثت و چگونگی آن، بیانگر آن است که وراثت و زن، از والدین به اولاد منتقل می‌شود و از این روی، برای تشکیل کانون خانواده صالح، به انتخاب همسر شایسته و پاکدامن سفارش شده است از جمله، رسول‌الله(ص) می‌فرماید: «**إِيَّاكُمْ وَ خُصْرَاءَ الدَّمَنِ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خُصْرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبِتٍ سَوَاءٍ**؛ مردم از خُصْرَاءِ الدَّمَنِ بپرهیزید، عرض شد مقصود چیست؟ فرمودند: زن زیبا و پاکدامنی که در خاندان بد و پلید متولد شود» (کلینی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۳۲، ح ۴).

آیت الله سبحانی با استناد به روایت: «**أَنْظُرْ فِي أَيِّ شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ**»، بیان می‌کند که در تأثیر خُلُق و خوی پدران و مادران در اخلاق و منش فرزندان از طریق وراثت هیچ تردیدی نیست، ناگفته نماند که این تأثیر در همه صفات به صورت کامل و به اصطلاح عُلَّت تامه نمی‌باشد، بلکه این تأثیر تنها در حدِّ متقاضی و عُلَّت ناقصه می‌باشد که با نوع تربیت در دوران رشد فرزند قابل تغییر است (سبحانی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۹).

مطابق آنچه از پیامبر اکرم(ص) و امام صادق(ع) نقل شده است، اصل تأثیر وراثت در خصوصیات رفتاری افراد مسلّم و نقش بسزایی دارد، از این روی برای پدیدآوردن نسل صالح، جامعه را به

^۱. سوره نحل، آیه ۵۹: «أَيُّمَسِّكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ».



بنیان های اصیل و شریف خانوادگی هدایت می کند و سفارش اکید می کند که در انتخاب همسر، به شایسته گزینی چون اصل و نسب و وراثت افراد توجه شود.

۳) در روایتی دیگر امام صادق (ع) به نقل از پیامبر (ص) فرمودند: «**إِيَّاكُمْ وَ تَزَوُّجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وَلَدُهَا ضِيَاعٌ**؛ از ازدواج با احمق بپرهیزید، زیرا همنشینی با احمق مایه اندوه و بلاء و فرزندش نیز مهمل و بدبخت است» (همان، ج ۵، ص ۳۵۳).

۴) یکی دیگر از طرق انتقال ژن، شیرخوارگی و دایه گرفتن برای اطفال است که پیامبر اکرم (ص) به حساسیت این مساله تاکید می کنند و می فرمایند: «**لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ، فَإِنَّ اللَّبْنَ يَعْدِي، وَإِنَّ الْغَلَامَ يَنْزِعُ إِلَى اللَّبَنِ؛ يَعْنِي إِلَى الظُّئْرِ فِي الرَّعُونَةِ وَالْحَمَقُ**؛ از زن احمق، درخواست شیر دادن (به فرزند) نکنید؛ چرا که شیر (ویژگی های دایه را) سرایت می دهد و فرزند، شباهت به (صاحب) شیر می برد؛ یعنی در حماقت و نادانی، همانند دایه می شود» (همان، ج ۶، ص ۴۳، ح ۸). حضرت در کلامی دیگر فرمودند: «**تَوَقُّوا عَلَى أَوْلَادِكُمُ الْبَنَ الْبَغَى مِنَ النِّسَاءِ وَ الْمَجْنُونَةِ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يَعْدِي؛** کودکان خود را از شیر زنان بدکاره و دیوانه، دور نگه دارید چرا که شیر، (ویژگی های دایه را) سرایت می دهد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳، ح ۹).

و امام باقر (ع) به دخالت ژن و وراثت در اوصاف اخلاقی تصریح می کنند: «**عَلَيْكُمْ بِالْوُضَاءِ مِنَ الظُّئُورَةِ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي؛** برای شیر دادن فرزندان از زنان پاکیزه استفاده کنید، زیرا شیر سرایت دهنده است» (جرعاملی، ۱۴۱۳، ج ۲۱، ص ۴۶۸).

روایات شماره ۳ و ۴ نسبت به دخالت و تاثیر اصل وراثت و ژن در شکل گیری شخصیت افراد تصریح می کند؛ بدین بیان که حضرت می فرمایند از ازدواج با افراد احمق و شیردادن توسط افراد احمق و دیوانه و بدکاره بپرهیزید زیرا دو اثر فساد انگیز دارد: یکی روان آدمی را ویران می کند و



دیگری که موضوع بحث است پدید آمدن نسلی احمق و بیخرد است چراکه انساب احمق در به وجود آمدن نسل احمق تاثیر گذار است و شیردهی نیز همان اثر را دارد.

برخی از اندیشمندان مسلمان با استنباط از پاره‌ای از آیات و روایات، در موضوع تأثیر وراثت بر بزهکاری و چگونگی آن می‌فرمایند:

مرحوم آیت الله خوئی درباره نظریه پاره‌ایی از دانشمندان متاخر مبنی بر اینکه افعال تابع اوصافی هستند که از طریق پدر و مادر به حکم قانون وراثت منتقل می‌گردد، فرموده اند: وراثت فی الجمله در انتقال خصوصیات جسم و تن از والدین به فرزندان قابل پذیرش است اما وراثت در اوصاف و روحیات اخلاقی می‌تواند علت مقتضی باشد و نه علت تامه. شایان ذکر است پاره‌ایی از اوصاف چون خنده و تعجب از صفاتی هستند که اصلاً وراثت بردار نمی‌باشند و در قلمرو اختیار افراد در انجام یا ترک آن است (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۴۹، ص ۷۳).

آیت الله مکارم شیرازی در موضوع تاثیر وراثت می‌فرمایند: باید همسری را برای زندگی برگزید که از نظر وراثت دارای صلاحیت باشد، بدون شک از پدر و مادر صالح، غالباً فرزندان صالح بوجود می‌آید و عامل وراثت همان گونه که در بیماری جسمی وجود دارد، در بیماری های روحی هم موجود است.

شاید کسی بگوید این نظریه منتج به مکتب جبر می‌شود. در پاسخ می‌گوییم عامل وراثت همانند عامل تربیت و محیط، نقش اقتضاء را دارد، نه علت تامه یعنی زمینه‌هایی برای این فرزند وجود دارد و آنچه نقش اصلی را ایفا می‌کند، اراده انسان است مثلاً دو نفر را فرض کنید که یکی همسایه دیوار بدیوار مسجد است و دیگری فاصله زیادتری تا مسجد دارد، هر دو زمینه برای شرکت در مسجد را دارند ولی آنکه نزدیکتر است زمینه برایش مساعدتر است در حالی که هیچ کدام مجبور نیستند و آنکه دورتر است ثواب بیشتری می‌برد، در ما نحن فیه شخصی که زمینه‌های بد در وجودش هست اگر انسان خوبی شود اجر بیشتری می‌برد. نظیر این بحث در



عامل محیط هم هست، که تأثیر عامل محیط هم علت تامه نیست بلکه مقتضی است و نقش نهائی برای اراده انسان است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، صص ۱۷-۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۲۹)

نتیجه گیری

با تحقیق و پژوهشی که در موضوع تأثیر وراثت بر بزهکاری و چگونگی آن از منظر جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی انجام پذیرفت، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. اعمال و رفتارهای انسان تابع و ثمره عوامل مختلف زیستی، روانی و اجتماعی می‌باشد و دلیلی برای اثبات اینکه جرم، تنها محصول معیوب وراثت است، وجود ندارد و اساساً هیچ ژن و کروموزومی برای جرم و بزهکاری شناخته نشده است. وراثت به تنهایی عامل جرم را نمی‌باشد، می‌تواند بستری مناسب برای بزهکاری باشد.

۲. بزهکاری معلول علل فردی و اجتماعی است، هیچ انسانی ذاتاً جنایتکار به دنیا نمی‌آید و جانی بالفطره و مادرزاد موجودی خیالی است. انسان با فطرت پاک به دنیا آمده همانطوری که نبی مکرم اسلام (ص) این مطلب را بیان فرموده اند و سپس تحت تأثیر شرایط نامناسب خانواده و محیط به سوی ارتکاب اعمال ناصواب و نادرست منحرف می‌شود.

۳. از مجموع نظریات و دیدگاه‌های مطرح شده در جرم‌شناسی چنین به دست می‌آید که هرکدامیک از عوامل ذکر شده به تنهایی نه شرط لازم و نه شرط کافی برای بزهکاری می‌باشد؛ وراثت، جسم، قیافه و... فقط می‌تواند علامت، نشانه و زمینه‌ای برای وقوع جرم احتمالی در انسان باشد نه علت تامه جرم؛ و این نظر مورد تأیید اسلام و برخی از دانشمندان امروزی است و نظریات در مورد مجرم مادرزاد و بالفطره، تأثیر مستقیم وراثت و ژنتیک و رابطه قیافه و جسم با بزهکاری مورد تأیید اسلام نیست.



۴. خصوصیات اخلاقی که از طریق وراثت به انسان منتقل می شود، به منزله یک بستر وزمینه است که گاهی این بستر به وسیله عوامل محیطی تقویت و گاه تضعیف می گردد، علاوه بر اینکه اختیار و اراده شخص نیز در سرنوشت او سهم زیادی دارد، آنچه که یک نوزاد به هنگام تولد به عنوان سرمایه همراه خود به این دنیا می آورد، اقتضاء خیر و شر است که از طریق ژن ها به او منتقل شده است اما آنچه که در سعادت و شقاوت او نقش و تاثیر دارد، تنها منحصر به عامل وراثت و ژنتیک نیست و عوامل دیگری همچون تربیت و اراده نیز تاثیر قابل توجهی در رقم خوردن شخصیت فرد دارد.



منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

الف) فارسی

۱. برجعلی، احمد؛ عبدالملکی، سعید، «**روان شناسی جنایی**»، چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۹۰ ش.
۲. بستانی، فواد افرام، «**فرهنگ ابجدی**»، چاپ دوم، اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳. بصیری، حمیدرضا؛ گوهری، مریم، «**نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث**»، فصلنامه علمی-ترویجی سراج منیر، سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۴. پاکزاد، بتول، «**تقریرات درس جرم‌شناسی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی**»، دوره کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال دوم تحصیلی ۱۳۷۲-۷۳
۵. پاک‌نژاد، سیدرضا، «**اولین دانشگاه و آخرین پیامبر**»، چاپ اول، بنیاد فرهنگی شهید پاک‌نژاد، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۶. جعفری، محمدتقی، «**جبر و اختیار**»، چاپ ششم، موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمد تقی جعفری، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۷. حجتی، سید محمدباقر، «**اسلام و تعلیم و تربیت**»، چاپ بیست و یکم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ ش.



۸. حمید، کامل؛ موسوی، سید محمود؛ داوران، مریم؛ ستوده، آزاده، «نقش و جایگاه وراثت و ژنتیک (زیست‌شناسی جنایی) در ارتکاب جرم از منظر جرم‌شناسی نوین و آموزه‌های دینی»، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره چهاردهم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۹ ش.

۹. دانش نیا، بهاره، «بررسی مجازات‌های تکمیلی و تبعی از دیدگاه جرم‌شناسی»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ۱۳۹۰ ش.

۱۰. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه دهخدا»، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.

۱۱. سبحانی، جعفر، «منشور جاوید»، چاپ اول، موسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۳۸۴ ش.

۱۲. سبحانی، جعفر، «جبر و اختیار»، تنظیم علی ربانی گلپایگانی، چاپ اول، موسسه تحقیقاتی سیدالشهداء (ع)، قم، ۱۳۶۸ ش.

۱۳. طالقانی، سید محمود، «پرتویی از قرآن»، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۹۰ ش.

۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، قم، ۱۳۷۸ ش.

۱۵. قرائتی، محسن، «تفسیر نور»، چاپ بیست و سوم، موسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۹۱ ش.

۱۶. قرشی سید علی اکبر، «تفسیر احسن الحدیث»، چاپ سوم، بعثت، تهران، ۱۳۷۸ ش.



۱۷. کی نیا، مهدی، «مبانی جرم شناسی»، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. محمدی جورکویه، علی، مصطفی پور، مسعود، «رویکردی جرم شناختی _ اسلامی بر قلمرو تاثیر عوامل زیستی بر رفتار مجرمانه»، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، شماره ۷۰
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن»، چاپ هفتم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۲۰. مطهری، مرتضی، «انسان و سرنوشت»، چاپ پنجاهم، صدرا، تهران، ۱۳۹۶ ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، چاپ بیست و یکم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۶ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، «کتاب النکاح»، دار النشر الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام)
۲۳. موسوی فرد، سید محمد رضا، «جرم شناسی اسلامی گرایش نوین حقوق کیفری ایران و جهان اسلام»، چاپ اول، نشر مجد، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۲۴. نجفی توانا، علی، «جرم شناسی»، چاپ چهاردهم، آموزش و سنجش، تهران، ۱۳۹۰ ش.
۲۵. والک لیت، ساندرا، «شناخت جرم شناسی»، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، چاپ اول، میزان، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. وایت، راب؛ هینس، فیونا، «درآمدی بر جرم و جرم شناسی»، ترجمه میرروح الله صدیق، چاپ سوم، دادگستر، تهران، ۱۳۸۷ ش.



۲۷. ولیدی، محمد صالح، «بایسته های حقوق جزای عمومی»، نشر مجد، تهران، ۱۳۸۸

(ب) عربی

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، «أنوار الفقاهة فی أحكام العترة الطاهرة (النکاح)»، دار النشر الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام)، قم، ۱۳۹۰ ش.

۲۹. ابشیهی، محمد بن احمد، «المستطرف فی کل فن مستظرف»، چاپ اول، دارالقلم، دمشق، ۱۴۰۱ ق.

۳۰. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، «شرح نهج البلاغه»، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

۳۱. ابن ادريس، محمد بن احمد، «السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى (و المستطرفات)»، چاپ ششم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۹۰ ش.

۳۲. ابن بابویه، محمد بن علی، «کمال الدین و تمام النعمه»، مصحح: علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ق.

۳۳. ابن بابویه، محمد بن علی، «من لایحضره الفقیه»، مصحح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ ق.

۳۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، چاپ سوم، دارصادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۳۵. ابن بابویه، محمد بن علی، «معانی الاخبار»، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، ارمغان طبوبی، قم، ۱۳۹۹ ش.



۳۶. ابن طاووس، علی بن موسی، «**اللهوف فی قتلی الطفوف**»، چاپ اول، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۳۷. پاینده، ابو القاسم، «**نهج الفصاحه**»، دنیای دانش، تهران، بی تا.

۳۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، «**غررالحکم و دررالکلم**»، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش.

۳۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، «**الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة**»، چاپ اول، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶ق.

۴۰. حرعاملی، محمد بن حسن، «**وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**»، چاپ اول، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۱۳ق.

۴۱. خوئی، سید ابوالقاسم، «**موسوعة الإمام الخوئی (رسالة فی نفحات الإعجاز فی رد الكتاب المسمى (حسن الإیجاز))**»، مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی، قم، ۱۴۱۸ق.

۴۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، «**الجامع الصغير**»، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، ۲۰۰۸م.

۴۳. سیوطی، جلال الدین، «**الدر المنثور فی تفسیر المأثور**»، چاپ اول، مکتبه آیتالله المرعشی النجفی (ره)، قم، ۱۴۰۴ق.

۴۴. طبرسی، حسن بن فضل، «**مکارم الاخلاق**»، چاپ اول، نشرحبيب، تهران، ۱۴۲۰ق.

۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، «**مجمع البیان فی تفسیر القرآن**»، ناصر خسرو، قم، ۱۴۲۵



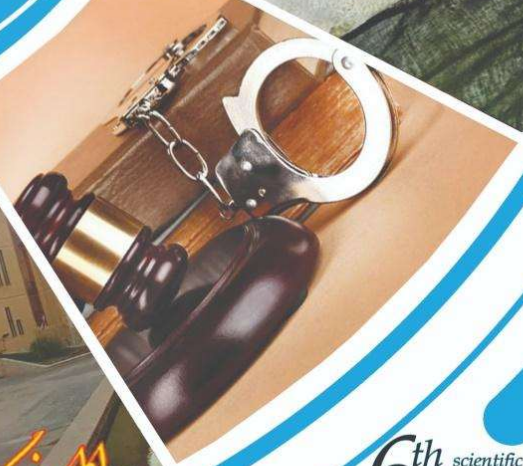
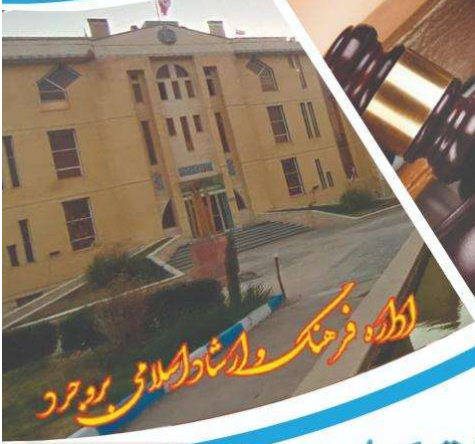
۴۶. طبری، محمد بن جریر، «تاریخ الطبری»، چاپ دوم، دار التراث، بیروت، ۱۳۸۷ق.
۴۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، «المحجه البيضاء فی تهذیب الاحیاء»، چاپ اول، محبین، قم، ۱۳۸۵ ش.
۴۸. قرشی، سیدعلی اکبر، «قاموس قرآن»، چاپ دوازدهم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ش.
۴۹. قمی، شیخ عباس، «منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الال»، چاپ سوم، دارالمصطفی العالمیه، بیروت، ۱۴۳۲ق.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، چاپ پنجم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۵۱. مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

ج) انگلیسی

۵۲. Burke, Hopkins, (۲۰۰۹), *an introduction Criminological Theory*.
۵۳. Ferri (E), "La Sociologie criminelle" Alcan, Paris ۱۹۰۵.
۵۴. H. W. Fowler, F. G. Fowler, Della Thompson ",The concise Oxford dictionary of current English," Third edition, Oxford University Press, Oxford, New York, ۱۹۹۵.
۵۵. Merle (R) _ Vitu (A), "Traite de droit penal general; ۱۹۷۸, Paris _ cujas.
۵۶. Reid, Sue Titus, (۲۰۰۳), *Crime and Criminology, Tenth Edition, McGraw-Hill, New York*.



جهت همکاری با بنیاد علمی قانون بار در راستای برگزاری سمینار، کارگاه‌های آموزشی، کنگره و نشست‌های علمی باموسسه تماس بگیرید ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ مدیر پژوهش ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵



قوه قضائیه
دادگستری شهرستان پروچرد



موسسه قانون بار



قوه قضائیه
دادگستری عمومی و انقلاب
شهرستان پروچرد



دانشگاه امام صادق



دانشگاه ارسنستان

6th scientific conference of Ghanonyar Institute at the national level

ششمین همایش ملی

جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان در جامعه

**مشاوره ۲۴ ساعته به پژوهشگران
در خصوص نگارش و ارسال مقالات
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵**

محورهای پذیرش مقالات پژوهشگران:

- ۱- پژوهش‌های مربوطه در حوزه پیشگیری از ارتکاب جرم و خودکشی
- ۲- شناخت علل و عوامل انحرافات جوانان در جامعه و ارائه راهکار عملی
- ۳- بررسی لزوم رعایت حجاب و آثار و پیامدهای آن در جامعه
- ۴- راهکارهای مبارزه با فقر، بی‌حجابی و فساد، اعتیاد، طلاق و ...
- ۵- پژوهش‌های مربوطه در راستای عدالت کیفری و عدالت ترمیمی
- ۶- تأثیر کیفر و مجازات در تکرار جرم و دستیابی به جامعه ای سالم
- ۷- شناسایی مضللات و آسیب‌های اجتماعی و ارائه راهکار حل مشکل

ایمیل همایش برای ارسال مقالات
OLOMENSANI@YAHOO.COM

مدیر هیات سیاستگذاری همایش
دکتر سیدمصطفی حسینی

شماره تماس‌های دبیرخانه همایش
۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

ارسال مقاله از طریق پیام رسان
۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

مکان و زمان برگزاری همایش
۲۹ آذرستان همایش سازمان ارشاد پروچرد

لوگو حامیان معنوی و برگزار کنندگان همایش





